

ماشاءالله‌خان در بارگاه هارون الرشید



«ماشاءالله‌خان در بارگاه هارون الرشید» رمانی است طنز که شخصیت اصلی آن با نام ماشاءالله‌خان، فردی است که علاقه وافری به کتاب‌های تاریخی دارد. او که این چنین شیفته تاریخ است، علاقه‌مند است به عصری که فکر می‌کند دوران طلایی برای زندگی کردن است، یعنی دوران هارون الرشید برود. ماشاءالله‌خان یک روز سراغ یک مرتاض هندی در تهران می‌رود و از او درخواست می‌کند که روحش را به دوران خلافت هارون الرشید بفرستد.

حاج مم‌جعفر در پاریس



در سال‌های اخیر مخصوصاً تا یک‌سال قبل که وضع ارز عادی بود، مسافرت به فرنگستان فوق‌العاده رواج داشت. دسته دسته ایرانی‌ها از طبقات مختلف برای تحصیل، معالجه یا گردش به اروپا می‌رفتند. برای بعضی از این مسافران تغییر عادات و رسوم طاقت‌فرسا بود و اغلب وقایع مضحک و عجیبی روی می‌داد. ایرج پزشکزاد در این کتاب شرح مسافرت یکی از همین مسافران عزیز را که به‌عنوان معالجه به فرنگستان آمده بود، با زبان شیرین طنزآمیزش نقل می‌کند.

خانواده نیک اختر



داستان کتاب، حکایت زن و شوهری ایرانی است به نام محمود و بدری نیک اختر که پس از انقلاب به اتفاق فرزندان (فرهاد و فرشته)، مادر بدری و فاطمی که یک دختر بچه دهاتی است، به آمریکا مهاجرت می‌کنند و در آنجا اتفاقاتی را از سر می‌گذرانند. ایرج پزشکزاد با زبان شیرین طنزآمیزش داستان خانواده نیک‌اختر را طوری روایت می‌کند که به دل هر خواننده‌ای می‌نشیند و لبخند بر لب‌هایش می‌نشانند.



تصویری از ایران دیروز و امروز

دایی جان ناپلئون با شخصیت‌های ماندگارش
مهم‌ترین رمان طنز ایرج پزشکزاد و طنز فارسی است

و مونولوگ‌های مناسب و پرهیز از توصیفات ادبی موفق به نگارش اثری صمیمی شده است.

«دایی جان ناپلئون» رمانی در ژانر بلوغ است. به سیاق این سبک، شخصیت اصلی دوران بلوغ خویش را می‌گذراند و درگیر مشکلات و بحران گذر از نوجوانی به جوانی است. سعید راوی اول‌شخص داستان، جوان بی‌تجربه و عاشقی است که در تاروپود عشق لیلی‌اش گرفتار آمده و از شخصیت‌های دیگر راهنمایی و کمک می‌خواهد. بانمک‌ترین شخصیت شاید خود دایی جان باشد که پیرمرد لاغراندام و نحیفی است که از اختلال روانی رنج می‌برد و گرفتار خودشیفتگی بیمارگونه است؛ در حدی که خود را ناپلئون دیگری می‌بیند و در توهمات خویش شرح دلوری‌هایش در جنگ‌های خیالی ممسنی و کازرون با انگلیسی‌ها را برای همه تکرار می‌کند. این امر گویای توهم توطئه‌ای است که قرن‌ها است مردم ما از آن رنج می‌برند و در پی دشمنی خیالی خارج از وجود خودشان هستند.

در این قصه‌های مبالغه‌آمیز، دایی جان خون انگلیسی‌های بی‌شماری را ریخته و آنها را به خون خودش تشنه ساخته است. دایی جان با زبان فرانسه‌آشنایی دارد و ناپلئون را یک فیلسوف و شاعر دلور می‌داند که همگان باید او را محترم بشمارند و هرگونه تردید و شک به شخصیت بزرگ او گناهی نابخشودنی به حساب آورده می‌شود. در مقابل ناپلئون، انگلیسی‌ها قرار دارند که مظهر شر مطلق ظاهر شده‌اند و سرچشمه تمام

دادگستری ایران به قضاوت مشغول شد. سپس به خدمت وزارت امور خارجه ایران درآمد. آخرین سمت او مدیر کل روابط فرهنگی بود.

گرچه ایرج پزشکزاد را بیشتر با رمان «دایی جان ناپلئون» می‌شناسند، اما او مسیر نویسندگی را در اوایل دهه سی با نوشتن داستان‌های کوتاه و ترجمه نوشته‌های ولتر، مولیر و چندین رمان تاریخی آغاز کرد. داستان‌های کوتاه‌اش در مجله‌ها به چاپ می‌رسیدند. در همان سال‌های خدمت در وزارت امور خارجه، ستون طنز «آسمون ریسمون» در مجله فردوسی را قلم می‌زد.

پزشکزاد در ۲۲ دی ۱۴۰۰ در نودوپنجاه سالگی در آمریکا درگذشت، اما شخصیت‌هایی که خلق کرد همچنان زنده هستند. محبوب‌ترین اثر پزشکزاد رمان «دایی جان ناپلئون» آینه‌ای از ساختار اجتماعی اواخر قاجار و اوایل پهلوی، فتودالیسم اشرافی و خرده‌بورژوازی در حال تکوین و رعیت‌ها است. داستان با تکیه بر قدرت طنزنویسی نویسنده و به‌کارگیری انواع تکنیک‌های طنزپردازی از جمله مبالغه و بزرگ‌نمایی، ایهام و تکیه‌کلام‌های شیرین برای مردم تبدیل به اثری به یادماندنی شده است. نویسنده با مهارت شخصیت‌های داستانش را طراحی و روابط بین آنها را مهندسی کرده است. شخصیت‌پردازی به گونه‌ای ساده و در عین حال عمیق به کاراکترها عمق بخشیده و از آنها آدم‌هایی چندلایه ساخته است. پزشکزاد با استفاده از دیالوگ‌ها

ستاره قره‌باغ نژاد

داستان‌نویس و منتقد

«من یک روز گرم تابستان، دقیقاً یک سیزده مرداد، حدود ساعت سه و ربع کم بعد از ظهر عاشق شدم. تلخی‌ها و زهر هجری که کشیدم بارها مرا به این فکر انداخت که اگر یک دوازدهم یا یک چهاردهم مرداد بود، شاید اینطور نمی‌شد.» این پاراگراف نخست شاهکار ایرج پزشکزاد در سال ۱۳۴۹ قرن‌ها پس از عبید زاکانی انتشار یافت و به یکی از شیرین‌ترین داستان‌های طنز و ماندگار ادبیات فارسی تبدیل شد. «دایی جان ناپلئون» تاکنون به زبان‌های روسی، انگلیسی، فرانسوی، عبری، نروژی و آلمانی ترجمه شده است. همچنین نسخه تصویری این داستان در قالب یک مجموعه تلویزیونی با همین عنوان توسط ناصر تقوایی در سال ۱۳۵۵ ساخته شد.

ایرج پزشکزاد خالق «ماشاءالله‌خان در بارگاه هارون الرشید» (رمان) ۱۳۳۷، «آسمون ریسمون» (طنزیات ادبی) ۱۳۴۲، «ادب مرد به ز دولت اوست» (نمایشنامه) ۱۳۵۲، و بسیاری آثار طنز دیگر است. این نویسنده طنز در سال ۱۳۰۶ در تهران چشم به جهان گشود. پدرش حسن پزشکزاد، یک پزشک و مادرش شاهزاده فکری ارشاد دختر مویدالممالک فکری ارشاد، نمایشنامه‌نویس و روزنامه‌نگار عهد مشروطه و صاحب روزنامه صبح صادق و روزنامه ارشاد بود. ایرج پزشکزاد در ایران و فرانسه به تحصیل حقوق پرداخت و به مدت پنج سال در